

نویسنده: سی جی ورلیمان (C.j Werleman)

منبع و تاریخ نشر: انفارمیشن کلیرنگ هوز «2014-11-23»

تتبع و نگارش: پوهندوی دوکتور سید حسام «مل»

---

## مشعل داشتن دنباله تروریسم: صنعت جنگ ایالات متحده امریکا

### **Blazing The Terrorism Trail: The US War Industry**

**جیمز ریزن (James Risen)** گذار شگر و خبرنگار پژوهشی و تحقیقی نیویارک تایمز در آخرین تحقیقات خود مصارف و هزینه های پنهانی جنگ با ترور را منتشر نمود.

**چشم خاورمیانه:** در این اواخر عنوان سرمقاله های اکثر نشرات و میدیا، با نبشته نوام چامسکی یکی از بزرگترین و فرهخته ترین متفکر و نویسنده امریکایی تحت عنوان **ایالات متحده امریکا رسماً منحیث دولت رهبری کننده ای تروریسم جهانی** از چاپ بیرون آمد.

نوام چامسکی بادر نظر داشت یکی از نوشته های منتشر شده در نیویارک تایمز گفته ای رییس جمهور اواما را این چنین نقل قول میکند: **اقای اواما** از سازمان اطلاعاتی ایالات متحده امریکا (CIA) تقاضا بعمل می آورد که در پی انجام یک بررسی واقعی بمنظور دریافت موارد چون تامین مالی و تسلیحاتی که به شورشیان در یک کشور طور درست و بهتر صورت میگرد و یا در جاهایکه عملیات های بزرگ تروریستی توسط ایالات متحده امریکادر موارد چند تاحدی انجام شده نمیتواند معلومات چندی در اختیار او گذارد.

**قرار فرموده نوام چامسکی:** شکست خودی در جنگ با ترور زمینه ای بی ثباتی و هرج و مرج اجتماعی را در خاورمیانه مساعد ساخت و به گسترش جهادیزم از یک گوشه ای دور افتاده ای افغانستان به سراسر جهان کمک و مساعدت نمود.

**نوام چامسکی:** درین مورد میگوید: پروژه کشتار جهانی تروریستی اواما و تاثیرات ناشی از پرتاب بمب توسط هواپیماهای بیدون سر نشین و حملات پیهم نیروهای بویژه ای ایالات متحده امریکا باعث خشم و غضب مردم گردیده

و این همه فعالیت‌های لجام گسیخته موجب گسترش فعالیت‌های تروریستی درین و آن گوشه‌ای از جهان گردیده که اکنون بچشم سر آنرا مشاهده می‌نمایم. که این خود زمینه رعب و ترس و وحشت را فراهم ساخته است، لذا این وضع خود مبین آن می‌تواند باشد که ایالات متحده امریکا بعنوان یک دولت حامی و رهبری کننده تروریستی جهان بوده تا انجائیکه مجموعه‌ای از تجارب و قرارهای خود را برای مردم خاورمیانه که بیشتر توأم با عواقب ناخواسته و ناگوار است تحویل میدهد و آنهم به مفهوم اینکه ایالات متحده امریکا بتواند روند درحال رشد قابلیت‌های نظامی خود را بخاطر دریافت سود برای شرکت‌های بزرگ خود بالوسیله‌ای برون‌سپاری (به واگذاری روش انجام کار با فعالیت‌های داخلی یک کسب و کار به یک تامین‌کننده‌ای خارجی تحت قرارداد مشخص اطلاق میشود، هنگامیکه یک سازمان بخشی از فعالیت‌ها یا فرایندهای کسب و کار خود را به عرضه‌کننده‌ای در بیرون از شرکت یا سازمان خود تحویل دهد این عمل را برون‌سپاری «outsourcing» می‌نامند.... از ویکی‌پدیا توسط این قلم.) بدست آورد.

پژوهشگر نیویارک تایمز آقای جیمس رابزن در گزارش تحقیقی و بررسی‌ای اخیر خود هزینه و وجوه مالی پنهانی در جنگ با ترور را به نشر سپرد و چنین خاطر نشان ساخت (شرکت‌های بزرگ ایالات متحده امریکا بخاطر حرص و آز و قدرت و دوام جنگ حاضر به پرداخت هرگونه بها و قیمت اند) او یعنی جیمس رابزن تقاطع بین حرص و آزشرکتهای بزرگ و سوء استفاده‌ای مستبدانه‌ای دولت رابنیز برملا ساخت.

**جیمس رابزن مینوسد:** در اوج جنگ‌ها تباه کن مربوطه چه در افغانستان و چه در عراق تعداد پیمانکاران و قراردادیان خصوصی امنیتی نسبت به پرسونل نظامی بمراتب بیشتر دیده میشود. درین هنگام جنگ با ترور به یک نسخه و شعار مد روز و هجوم به کسب طلا همانند قرن نوزدهم مبدل شده بود که زمینه‌ای مساعد را برای تقلب فرصت‌طلبان مبنی بر حیف و میل میلیاردها دلار پول مالیات‌دهنده‌گان امریکا مساعد ساخت. رابزن اینطور علاوه مینماید: در هنگام جنگ با ترور حرص و آز و جاه‌طلبی به رودخانه‌ای سرشار و نامحدود از پول نقد، مقررات زدایی ناگهانی امنیت ملی امریکا از دواج و یا عقد مینماید. به این شکل زمینه را برای عده‌ای از اشخاص زکی و باهوش

مساعد میسازد که بیدون نظارت کسی هرچه خواسته باشند آنرا جامه عمل بپوشانند.

واشننگتن پست گذارش میدهد که بخاطر تامین امنیت میهن در داخل ایالات متحده امریکا «1200» سازمان های دولتی و نزدیک به «2000» شرکت های خصوصی و اطلاعاتی در مبارزه با تروریسم مشغول کار و فعالیت اند. و طبق بررسی پنتاگون چنین دریافت شده که در مدت ده سال بعد از رخداد «11/9» وزارت دفاع ایالات متحده امریکا بیش از «400» بیلون دالر به پیمانکاران که آنها قبلاً تا یک میلیون دالر یا بیشتر تقلب نموده بودند و دارایی های شان تحت تحریم قرار داشت اجورت پرداخته است.

این نه تنها نمونه ای از حرص و آز و مساعد ساختن فرصت طلبی با پیامد های جعل برای شرکت هادرمبارزه با تروریسم در داخل کشور است که مهیا گردیده است بلکه در بیرون از کشور مثلاً در خاور میانه همچو پیامد های توأم با جعل هرچه گسترده تر مساعد گردانیده شده است.

مجتمع نظامی صنعتی و صنعتی امنیتی میهنی دروازه چرخ و ورودی فرصت طلبی را بزخ بروکراتهای دولتی، مقامات شخصی و افسران نظامی انتخابی باز داشته است. یک مطالعه اخیر که توسط شهروندان به ارتباط احساس مسولیت و اخلاق درواشننگتن وهم بواسطه یک نهاد بنام ( Brave New Foundation) صورت گرفت یافته های خود را این چنین نشان میدهند:

در حدود «70» فیصد جنرالهای سه و یا چهار ستاره ای پنتاگون که در این تازه گی ها بازنشسته شده اند تلاش بخرج میدهند تا به صفت پیمانکاران در دفاع از میهن داخل وظیفه شوند یعنی در پی کسب وظیفه ای پیمانکاری امنیتی میباشند.

امروز تقریباً غیر ممکن به نظر می آید که گفته شود: چه وخت حکومت پایان می یا بد وچه وخت شرکتهایوسیا ستمداران اغاز به کار و فعالیت می نمایند و بواسطه نظامی ها و شرکت های امنیتی و پیمانکاران جنگ های نو و جدید را منحیث محصول جدید بفروش می رسانند، این پیمانکاران استخدام شده به واشننگتن کمک می نمایند تا واشننگتن مقیاس و وسعت تهدید تروریستی را تعیین نماید، مطلب قابل ملاحظه و آن اینکه اگر مصلحت بر آن شود (بگفته ای پیمانکاران امنیتی خدا نکند) که جنگ با ترور پایان یابد در آنصورت این

پیمانکاران چه خواهند کرد و چسان پول بدست خواهند آورد چونکه وظیفهء شان به پایان میرسد.

**اقای ریزن می نویسد:** اگر ایالات متحده امریکا بصورت ناگهانی راضی به صلح گردد و یا به صلح دست یابد چونکه جنگ وجدال اکنون برای مردم امریکا غیر قابل تحمل گردیده و از آن نفرت و انزجار دارند و با قطع جنگ و تامین صلح زنده گی مردم پر بار و آسوده میگردد در آنصورت جنگ طلبان و پیمانکاران فرصت ها را از دست خواهند داد دیگر پول به کیسه های شان سرازیر نخواهد شد و دیگر نیازی باقی نخواهد ماند که مردم تشویش را بخود راه دهند.

جنگ با ترور بر بنیاد نظامی یک طبقه کاملاً دست نخورده ای اولیگارشسی را ایجاد نموده است **اقای جیمس ریزن** درین مورد بسا مثال های زنده را روی دست دارد که از آن جمله میتوان مثالی را در اینجا بر رخ کشید که مفهوم آن مستقیماً به اوضاع شرق میانه سر میخورد بگونه مثال: **برادران نیل** (یک شرکت بزرگ تخصصی پکاژ یا بسته بندی در ایالات متحده امریکا میباشد که از مدت ها قبل در این رشته مصروف کار و فعالیت است) **ولندن بلو (Linden Blue)** = یک شرکت حمل و نقل هوای بوده که از سالیان قبل در ایالات متحده امریکا فعالیت می نماید) برادران بلو در سال «1980» یک سیستم تحت نام جنرال اتومیک ایرونیوتیکل (Aeronautical) را به مبلغ (\$38mn) خریدند و این شرکت برادران بلو در سال (2001) مبلغ (\$110mn) و در سال (2012) مبلغ (\$1,8bn) مفاد خالص نمودند چونکه با دولت قرارداد نموده بودند یعنی پیمانکار دولت ایالات متحده امریکا بودند برادران بلو اقدام به ساخت شکا رچیپیان قاتل بیروح (هوایپماهای بیدون سرنشین) نمودند که امروز در آسمان پاکستان و یمن و دیگر جا های نا امن به قتل و کشتار مردم آن دیار در گشت و گذر است شرکتی که مبالغ هنگفتی را بدست آوردند چنانچه که از مفاد خالص آنها در فوق تذکر بعمل آوردیم و یگانه شرکتی در تاریخ امریکا میباشد که از ثروت عامه بدست خصوصی ثروت افسانوی را تصاحب میشود. **اقای جیمس ریزن در ادامه مینویسد:** در ایالات متحده امریکا شرکت ها و کمپنی ها بمنظور خدمت گذاری ب مردم عامه ایالات متحده امریکا در زیر سایه دولت امریکا ایجاد نگردیده است بلکه این شرکتها و کمپنی ها ر بمنظور

دریافت سود و نفع اعظمی ایجاد نموده اند، این شرکت ها برای آنکه بتوانند سود بدست آورند بیدون ضیاع وقت به دروغ - جعل و سرقت می پردازند و بضرع نیل به این هدف شوم و غیر انسانی از هیچ نوع تلاش دریغ نمی ورزند و بشکل پیگیر تکنالوژی و محصولات امریکا را در معرض خرید و فروش هرکشوری در شرق میانه از امارات عربی تا پاکستان میگذارند و از راهای مختلف اکنون در صدد آن اند که چگونه این نسخه و یا دست آورد درنده و شکارچی قاتل بی روح (هواپیماهای بیدون سرنشین) را بخاطر بدست آوردن سود بفروش برسانند. حتی کشورهای کوچک عربی مثل اردن با اشتیاق متم تمایل دارد تا این تکنالوژی هواپیماهای بیدون سرنشین را بخاطر تقویه ای توانایی های (UAV = خودروهای بیدون سرنشین) خود بمنظور رهای از لجام و افسار در مانده و زمین گیر خود بخرد. **اقای جمیس بریزن چنی ادعا می نماید** : تقاضای کشورهای عربی برای بدست آوردن تکنالوژی هواپیماهای بیدون سرنشین و دیگر محصولات غرب در مارکیت و بازار هیجان و انگیزه ای خرید و فروش را بوجود آورده است که با در نظر داشت همین انگیزه دلالت و تجاران ایالات متحده امریکا و اروپا را به تحرک واداشته است تا این تجاران سود خور با اشتیاق تمام امتعه ها و محصولات خویش را در بازار خاور میانه بخاطر بدست آوردن مشتریان جدید عرضه نماید و از فروش محصولات خویش نفع قابل ملاحظه را تصاحب شوند.

بهر صورت همین اکنون خاور میانه و منطقه با ساخت سلاحهای امریکایی تا دندان مسلح و تسلیح شده است **اقای ریزن میگوید** : که فروش هواپیماهای بیدون سرنشین در حال ایجاد یک مسابقه تسلیحاتی بی سابقه در شرق میانه میباشد و فروش هواپیماهای بیدون سرنشین ایالات متحده امریکا بسرعت مبدل به چانه زنی در مسابقات تسلیحاتی بین المللی گردیده است. اسرائیل زمانی خود روهای بیدون سرنشین (UAV) پیشرفته خود را بالای روسیه بفروش رساند و قتیکه روسیه فروش هواپیماهای جنگی جیت خود را بالای سوریه متوقف ساخت.

**اقای جمیس ریزن** حتی بیشتر در مورد مواد منفجره ای ساخت ایالات متحده امریکا نگرانی خود را چنین افاده می نماید : و آن اینکه جبهه در اطراف سازمان (سی آی ای) در نظر دارنده محصولات و سلاح های مدرن پیشرفته ای

ساخت ایالات متحده امریکا را در بدل پول به دسترس اردن و همچنان به لبنان و حتی سوریه بگذارند و یا بفروش رسانند که در این صورت اگر شما دادوستد این تجاران سلاح فروش را دنبال نماید بعید نخواهد بود که همچو سلاحهای (UAV) پیشرفته بدست سازمانهای تروریستی مثل حزب الله نیافتند.

پروگرام دادوستد هواپیماهای بی‌دین سرنشین میتواند که تنها سبب و پوتانسیل و دینامیزم نظامی را در طول سرحدات بین اسرائیل و لبنان تغیر دهد. و آن به این مفهوم که این هواپیماها قادر به انتقال موشک های دوربرد نیز میباشند که اگر این هواپیماها بدست گروهی همچو حزب الله بیافتند در آن صورت میتواند که یکشبه قدرت نظامی مشروع رابه حزب الله هی ها بدهد این مطلب را آقای جمیش ریزن بقسم هشیار باش تذکر میدهد.

**برون سپاری (outsourcing)** نظامی به شرکت های خصوصی یا واگذاری نظامی به شرکت های خصوصی بیرونی زمینه ای سود بیشتر را برای شرکت های بزرگ فروشنده قبل از تائید و علاقمندی به منافع امنیت ملی فراهم میسازد و توقعات کارمندان (سی آی ای) را که در انتظار فرصت های شغلی در آینده ها میباشند وضعی پیش می آید که باعث یک طرح استنادانه میگردد که در پرتو آن تولید کننده گان سلاحهای ساخت ایالات متحده امریکا محصولات و تولیدات نظامی پیشرفته را در اختیار مشتریان خود قرار خواهند داد که ایالات متحده امریکا قبلاً آنها را به حیث دشمنان امریکا اعلام نموده بود.

یک منبع موثق با خودداری از ذکر نام خود به آقای جمیش ریزن چنین گفت : کارمندان رسمی (سی آی ای) در تلاش راهیابی ای اند که چسان بتوانند هواپیماهای بی‌دین سرنشین را بالای لبنان و سوریه بفروشند، آنها به طرح یک برنامه ای کاملاً ماهرانه و استنادانه ای اند که در پرتو این برنامه استنادانه ای خویش هواپیماهای بی‌دین سرنشین را از طریق کشتی به یک شرکتی که در قبرس میباشد انتقال دهند و بخاطر انتقال همچو هواپیماها چنان اسنادی را ترتیب دهند که گویا این خودروهای بی‌دین سرنشین از چین توسط کشتی های چینیایی به اینجا منتقل گردیده نه از ایالات متحده امریکا و بعداً راهی را خواهند یافت که این محموله هارا توسط کشتی های دریایی چینیایی از قبرس به دمشق منتقل سازند و از خود هیچ سندی را که مبین فعالیت های آنها باشد بجا نگذارند بهر صورت درین مورد آقای جمیش ریزن چنین افاده مینماید:

در نهایت امر غیرممکن است که در تعقیب سیاست جنگ با تروریسم بین اداره اوباما و آقای بوش کدام تفاوت چشمگیری را معین و مشخص ساخت و در عین زمان تا همین اکنون هیچ نشان ای و هیچ علامه ای از کاهش سرعت جنگ بملاحظه نمیرسد و تاجران و دلالان دادوستد سلاح و تجهیزات جنگی ساخت ایالات متحده امریکا بیرون در نظر داشت عواقب ناگوار و ناخواسته همچو تجارت را بصورت دوامدار با قاچاق سلاح از طریق دریا توسط دزدان دریایی خود انجام میدهند و مصروف زراندوزی اند . پیامدها و عواقب تلخ و ناخواسته ای این جنگ های ایالات متحده امریکا علیه تروریسم تا زمانی دوام خواهد کرد تا آنکه برای شهروندان شرق میانه با گسترش همچو جنگ ها در دوسر وسیعی را بوجود خواهد آورد مانند ضرب المثل که میگویند که با عطسه زدن امریکا اینجا در شرق میانه مردم مبتلا به سرماخوردگی و هرج و مرج اجتماعی و جنگ های داخلی درگیر خواهند شد که در آن وقت تاثیرات کشنده ای آن برای تولید کننده گان سلاحهای ساخت امریکا و تاجران دادوستد این امتعه ای کشنده که بخاطر حرص ، آز، و قدرت و جنگ بی پایان در جد و جهد اند بالای آنها نیز تاثیر خواهد گذاشت .

-----  
**با تقدیم سلام ها**